

جاویدان خرد، شماره ۳۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۲۸۳-۳۰۶

عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری

(مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز)^۱

احد نژاد ابراهیمی*

مینو قره‌بگلو**

سید مسعود وفايي***

چکیده

نشانه‌شناسی دانشی با هدف چگونگی معنایابی نشانه‌ای است و خود نمود عینی از مفهوم یا پدیده‌ای غایب جهت برقراری ارتباط با مخاطب است. رومن یا کویسن و امبرتو اکو نشانه‌شناسی را برآمده از زبان می‌دانستند؛ یا کویسن نشانه‌شناسی را فرایند معنی‌دار شدن بر اساس متن و اکو نشانه‌شناسی معماری را پدیده‌ای فرهنگی و ابزاری برای برقراری ارتباط معرفی کرده‌اند؛ شهرها در جوامع اسلامی نشانه‌هایی دارند و مسجد شاخص‌ترین نمود معماری در شهرهاست. هدف این پژوهش تحلیل عناصری در معماری مساجد (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز) است که در گذر زمان تبدیل به نشانه ارتباطی در شهرها شده‌اند تا به این سؤال پاسخ داده شود: عناصر کالبدی معماری با چه مؤلفه‌هایی ابزار برقراری ارتباط معنایی شده‌اند؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد با تعمیم نظریه یا کویسن، عوامل مؤثر بر ارتباط شامل زمینه فرهنگی و اجتماعی، کارکرد نمادین، رمزگان‌های معماری و کاربرد صریح، ابزار برقراری ارتباط و رمزگان‌های فرامعماری می‌باشند.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی و معماری، نشانه‌شناسی و ارتباط، نشانه‌شناسی

مسجد، مسجد کبود، تبریز.

* دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول). رایانامه:

Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

** دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، رایانامه:

m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

*** کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، رایانامه:

masoud.vafaei.91@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۴

مقدمه

نشانه‌شناسی در معماری به صورت ناملموس و البته منسجم، به عنوان ابزار ارتباط بین معماری و محیط تلقی می‌شود. نقش نشانه‌شناسی در تبیین نحوه کارکرد عناصر معماری و شکل‌دهی رویکرد طراحی مکان معماری امری ثابت شده است و همچنین به‌کارگیری آن در تسهیل برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب به نتایج ارزشمندی همچون توجه به زمینه فرهنگی و اجتماعی و در نظر گرفتن ابعاد مختلف نشانه‌سازی منجر خواهد شد. رسیدن به تعریف نشانه‌شناسی معماری و در نظر گرفتن نشانه‌های مساجد سنتی، جهت به‌کارگیری آنها در طراحی مساجد معاصر، مناسب‌ترین راهکار در استفاده از علم نشانه‌شناسی جهت برقراری ارتباط است.

مؤلفه‌های ارتباطی یا کوبسن نسبت به سایر دسته‌بندی‌ها، چارچوب مشخص و تعریف‌شده‌ای از عناصر تشکیل دهنده ارتباط دارد؛ به همین دلیل به نظر می‌رسد قابلیت تعمیم در معماری را نیز داشته باشد. این الگو «با توجه به مرزبندی و تفکیک دقیقی که او میان اجزای تشکیل دهنده یک ارتباط کلامی و نقش‌های هرکدام از این اجزاء قائل شده است، در بررسی و تحلیل هر متن - و در کل هر نوع ارتباط زبانی - کارایی خواهد داشت» (صراحتی جویباری و محسنی، ۱۳۹۵: ۹۸). از نقاط قوت نظریه یا کوبسن می‌توان به در نظر گرفتن عنصر «گیرنده»، با توجه به نقش مخاطب در خوانش متن اشاره کرد. تا پیش از نظریه ارتباط یا کوبسن و نظریه «مرگ مؤلف» بارت، متن و معنا در سایه مؤلف قرار داشت. امبرتو اکو معتقد است نشانه‌شناسان تمام پدیده‌های فرهنگی را به‌مثابه نظام‌های نشانه‌ای مورد مطالعه قرار می‌دهند. پس با این فرض، تمام پدیده‌های فرهنگی نظام‌های نشانه‌ای هستند یا فرهنگ را می‌توان ابزار برقراری ارتباط تلقی کرد. «ماهیت عناصر معماری عملکرد است. «ارتباط» و «عملکرد» به یکدیگر مرتبط بوده و یکی از راه‌های تجزیه و تحلیل معماری از دیدگاه نشانه‌ای بررسی عملکردهای آن از طریق ارتباط می‌باشد» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۴۹). دیدگاه اکو در مورد نشانه‌شناسی معماری از بعد توجه وی به روش بررسی عناصر معماری حائز اهمیت است. وی معماری را ارتباطی می‌داند که کارکردهای ضروری عناصر معماری را آشکار می‌سازد. شهر در جوامع مسلمان نشانه‌های شاخص کالبدی دارد. شاخص‌ترین آنها که ویژگی شاخصه شهر محسوب می‌گردد مسجد است. کالبد مسجد نه برآمده از نص صریح قرآن و احادیث که برآمده از زمینه بوده است «قرآن صریحاً می‌گوید هر مکانی یک مسجد است. سپس نیت انسان در ذهن او شکل می‌گیرد» (بمات، ۱۳۶۹: ۱۹۳).

اساس شکل‌گیری مسجد متناسب با سنت و فرهنگ و روابط اجتماعی جامعه بوده است. مسجد کانون عبادتی، اجتماعی، فرهنگی فرهنگ دیرپای است که هرگز نمی‌تواند از ساختار اجتماعی و شهری آن جدا شود» (بهزادفر، ۱۳۷۶: ۱۱). در معماری مساجد، ارتباط مسجد با مخاطبان و همچنین نحوه تجلی مفاهیم در آن حائز اهمیت است به طوری که یک انسان مسلمان بتواند عناصر معماری مساجد را در ارتباط با معنا و مفاهیم موجود در آن ببیند.

مبانی نظری

نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متن است که در جستجوی معنای پنهان و ضمنی است و همچنین نحوه معنا یافتن متون در آن مورد توجه است. مطالعات نشانه‌شناختی بر اصولی متمرکز است که بر گفتمان‌های پیرامون متون حاکم هستند، یکی از این اصول ارتباط است که به عوامل نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا و برقراری ارتباط با آنها تأکید می‌کند. در این تحقیق جهت تعریف مفاهیم نشانه‌شناسی ابتدا دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه نظیر سوسور و پیرس مدنظر قرار گرفته و سپس با اتکا به نظریه ارتباط کلامی یا کویسن و فرضیه قابل‌تعمیم بودن نظریه وی در انواع ارتباط، شش عامل ارتباط، با توجه به دیدگاه اکو در معماری بررسی می‌گردد. مسجد جهان‌شاه به‌عنوان نمونه موردی تنها اثر باقی مانده از مجموعه مظفریه از دوره ترکمانان است که به نام مسجد کبود تبریز در بین مردم شناخته می‌شود؛ سؤال پژوهش این است: عناصر کالبدی معماری با چه مؤلفه‌هایی ابزار برقراری ارتباط معنایی شده‌اند؟ و در کالبد مسجد کبود، عناصر معماری به‌عنوان نشانه‌های شهری چگونه با مخاطب ارتباط برقرار می‌کرد؟ جهت نیل به این هدف با توجه به مؤلفه‌های تعمیم داده‌شده در معماری، عناصر معماری مسجد کبود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

با توجه به زمان ظهور علم نشانه‌شناسی، معماری در این حوزه به‌صورت محدود مورد مطالعه قرار گرفته است. از پیشگامان این حوزه می‌توان به پیتر کویمل^۲ اشاره کرد و همچنین در طول دهه ۱۹۷۰ نیز تحقیقی در مورد نشانه‌شناسی طراحی معماری توسط منار هماد^۳ و «گروه ۱۰۷»^۴ در پاریس ارائه شد (Tasheva, 2012). این دو تحقیق بیشتر جنبه‌های بصری و گرافیکی معماری را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

برخی دیگر از نظریه‌پردازان «معنا» را در اولویت تحقیق خود قرار دادند که می‌توان به دونالد پریزیوی^۵ اشاره کرد؛ وی استدلال کرد که معماری نوعی فعل و انفعالات بصری، در مقابل معانی زبان‌شناختی است. همچنین یکی دیگر از مشهورترین تمایلات معنایی در

معماری، مجموعه‌ای از مقالات با عنوان «معنی و معماری»^۶ است که توسط چارلز جنکس^۷ و جورج بیرد^۸ ویرایش شده و در سال ۱۹۶۹ منتشر شده است. این مقاله در حال حاضر به‌عنوان «زبان پست‌مدرنیسم در معماری»^۹ شناخته می‌شود (Hale, 2000). با پیدایش مکتب پاریس و تعریف آگیرداس جولین گریماس^{۱۰} از نشانه‌شناسی، معماری به‌عنوان یک نتیجه از فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی تلقی شد (Juodinytė-Kuznetsova, 2011). در سال ۱۹۹۷ مقاله «کارکرد و نشانه: نشانه‌شناسی معماری» امبرتو اکو که قبلاً در قالب سخنرانی ارائه شده بود در کتاب «بازاندیشی معماری: مجموعه مقالات» به کوشش نیل لینچ منتشر شد. اکو در این مقاله به معماری از بعد فرهنگی و ابزار ارتباطی نگاه کرده است، این مقاله از جهت اینکه مهم‌ترین الگوی روش‌شناختی در حوزه روش‌شناختی معماری است حائز اهمیت است. در این کتاب مقاله‌ای از رولان بارت به نام «نشانه‌شناسی و فضای شهری» نیز آورده شده است.

مطالعات اندکی با استفاده صریح از نشانه‌شناسی، در هنر و معماری اسلامی صورت گرفته است. «نمادگرایی اسلامی»^{۱۱} رودی پارت^{۱۲} در سال ۱۹۵۸، بین دو نوع نماد که او به‌عنوان نمادهای اولیه و ثانویه توصیف می‌کرد، تمایز قائل می‌شود. یکی دیگر از مطالعات مهم، «مطالعه اسلام به‌عنوان یک سیستم نماد و نشانه»^{۱۳} در سال ۱۹۷۴، توسط ژاک واردنبرگ^{۱۴} است. اولگ گرابار^{۱۵} در دو مطالعه خود یعنی «تزیینات در هنر اسلامی»^{۱۶} در سال ۱۹۷۷ و «نمادها و نشانه‌ها در معماری اسلامی»^{۱۷} در سال ۱۹۸۳، نماد را از نشانه متمایز می‌سازد (Grabar, 1983). نماد و نشانه و تفاوت این دو مفاهیمی هستند که بمانیان و همکاران (۱۳۹۲) نیز به آن اشاره کرده و در نوشته‌شان به‌صورت کلی به توضیح و کاربرد نشانه و نماد در معماری و تفاوت نشانه‌پردازی در دو دوره صفوی و معاصر ایران پرداخته‌اند.

۱. نشانه‌شناسی

یکی از عام‌ترین تعریف‌ها از امبرتو اکو است (Eco, 1979: 7) که می‌گوید: نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سر و کار دارد. نشانه‌شناسی از طریق مطالعه و تئوریزه کردن نشانه‌ها و روند شکل‌گیری آنها در پی مطالعه معنی است (نرسیسیانس ۱۳۹۱، ۱۷). روش نشانه‌شناسی همچنین برای درک چگونگی ارتباطات انسانی استفاده می‌شود.

نشانه‌شناسی به‌عنوان یک تئوری مستقل در آغاز قرن بیستم در نوشته‌های «چارلز سندرز پیرس»^{۱۸} و «فردینان دو سوسور»^{۱۹} مطرح شد. سوسور الگویی دو وجهی یا دو قسمتی از

نشانه ارائه می‌کند. از دیدگاه او نشانه تشکیل شده است از: دال و مدلول (همان: ۳۳)؛ نشانه زبانی محسوس است و اگر بر آن می‌شویم که آن را مادی بنامیم، تنها به همین معنی و برای تقابل با وجه دیگر تداعی، یعنی مفهوم است که معمولاً مجردتر می‌نماید. سوسور تأکید کرده است که صدا و اندیشه (یا دال و مدلول) درست مانند دو روی یک برگ کاغذ از هم جدایی‌ناپذیرند (هلد کرافت، ۱۳۹۱). پیرس، برای نشانه الگوی سه وجهی ارائه می‌دهد که شامل بازنمون، تفسیر و موضوع می‌شود. پیرس می‌گوید: نشانه ... در شکل بازنمون چیزی است که از دید کسی، از جهتی یا ظرفیتی به جای چیز دیگری می‌نشیند. نشانه کسی را خطاب می‌کند، یعنی در ذهن آن شخص نشانه‌ای برابر یا شاید نشانه‌ای بسط یافته‌تر خلق می‌کند. نشانه‌ای که به این ترتیب آفریده می‌شود را من تفسیر نشانه نخست می‌نامم. نشانه به جای چیزی می‌نشیند که اصطلاحاً موضوع آن نامیده می‌شود. نشانه نه از همه جهت بلکه در ارجاع به نوعی ایده که من گاهی زمینه نشانه نامیده‌ام، به جای موضوع می‌نشیند (پیرس، ۱۳۸۱: ۵۲). همچنین با توجه به جدول ۱ پیرس طبقه‌بندی جامعی از نشانه ارائه می‌دهد که سوسور از پرداختن به آن بازمانده است.

جدول ۱: دیدگاه سوسور و پیرس و چارچوب نظری آنها

منبع: نگارنده

نظریه پرداز	سوسور	پیرس
حوزه مطالعه	زبان	فلسفه
مکتب	ساختارگرا	پراگماتیسم
تعریف نشانه	الگویی ۲ وجهی دال: تصور صوتی مدلول: مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند	الگویی ۳ وجهی ۱-بازنمون ۲-تفسیر ۳- موضوع
رابطه بین وجوه	دلالت: رابطه بین دال و مدلول	نشانی: تعامل بین بازنمون، تفسیر و موضوع
مقایسه وجوه	دال ~ بازنمون مدلول ~ تفسیر	بازنمون ~ دال تفسیر ~ مدلول موضوع [در الگوی سوسوری جایی ندارد]

<p>طبقه‌بندی سه‌گانه نشانه :</p> <p>۱. مشابهات یا شمایل‌ها (تا حدی قراردادی) ۲. شاخص‌ها یا نمایه‌ها (دال وابسته به مدلول) ۳. نمادها یا نشانه‌های عام (بسیار قراردادی)</p>	<p>-</p>	<p>طبقه‌بندی ارائه‌شده از نشانه</p>
<p>مثث معنایی آگدن و مرجع ریچاردز متأثر از نظریه پیرس (تغییر واژگان پیرسی)</p> 	 <p>نمودار سوسوری : وابستگی متقابل دال و مدلول و متمایز بودن در مقاصد تحلیلی</p>	<p>مدل ارائه‌شده</p>
<p>عامل زبان مؤثر است.</p>	<p>ماهیت اختیاری و قراردادی انگ‌بخشی و در قید بودگی: توصیف میزان تأثیر مدلول در تعیین دال</p>	<p>رابطه اجزای نشانه</p>
<p>شئ فی‌نفسه خود نشانه است و در چرخه‌ی بی‌پایان دلالت می‌افتد. تمایز بین دلالت و مفهوم ارزش</p>	<p>هیچ نشانه‌ای قائم به خود معنی نمی‌یابد ، بلکه ارزش آن ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است. (ارزش: رابطه نشانه‌ها با یکدیگر در درون نظام)</p>	<p>رابطه نشانه‌ها با یکدیگر</p>

امبرتو اکو پیشگام انتقاد خواننده محور بر این باور است که متن آزاد متنی نیست که در آن، متن به هر معنایی باشد. هر اثر ادبی به خواننده الگو یا ایده‌آلی را پیشنهاد می‌کند که نشان‌دهنده بازه‌هایی متفاوت با ساختار خود متن است. سوسور و پیرس تعاریف خود از نشانه را در نظامی انتزاعی پیش برده‌اند درحالی‌که معتقد است با تعریف کردن نشانه در نظام انتزاعی کارکردهای نشانه‌شناسی بسیار محدود می‌شود. او برای آنکه بتواند تعریفی عملی از نشانه ارائه دهد و با برداشتی که از نشانه‌شناسی دارد (علمی که با کل فرهنگ انسانی سروکار دارد) انطباق داشته باشد، شرحی از ساختار نشانه را در نظریه رمزگان ارائه

و در همان حال نشانه را از الگویی صرفاً زیباشناختی جدا می‌کند. از دیدگاه یاکوبسن هر پیامی از نشانه‌ها تشکیل شده و بر همین قیاس دانش نشانه‌ها که نشانه‌شناسی نام گرفته، با آن اصول عام که شالوده ساختار همه انواع نشانه‌ها را تشکیل می‌دهند و نیز با خصلت به‌کارگیری آنها درون پیام‌ها و همچنین با جزئیات نظام‌های نشانه‌ای گوناگون و جزئیات پیام‌های متفاوتی که انواع گوناگون نشانه‌ها را به کار می‌گیرند، سروکار دارد (Hawkes, 2003). یاکوبسن معتقد به خواننده محور بودن متن است بدین صورت که متن به هر معنایی که خواننده برداشت کند معنی می‌شود، درحالی‌که او معتقد است هر اثر ادبی به خواننده الگو یا ایده‌آلی را پیشنهاد می‌کند که نشان‌دهنده بازه‌هایی متفاوت با ساختار خود متن است.

۲. ارتباط

اغلب نظریه‌های ارتباطی بر اساس یک الگوی مبتنی بر «ارسال» قرار دارد که در آن فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد که به‌عنوان مثال می‌توان به الگوی ارتباطی شانون و ویور اشاره کرد. «مهم‌ترین ضعف این‌گونه الگوها عدم در نظر گرفتن اهمیت بافت‌های اجتماعی و رمزگان است» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۵۸). نظریه‌پردازانی همچون سوسور از الگوی انتقالی خطی ارتباطات کلامی استفاده کرده‌اند، با اینکه این الگو به‌عنوان یک «حلقه گفتار» نامیده شد اما بر این بنیاد قرار داشت که فرایند ادراک توسط شنونده، آینه‌ای از فرایند بیان یک اندیشه توسط گوینده است (Saussure, 1983). «در این الگو فقط اشاره بسیار مختصری به کاربری گوینده از «رمز محیا شده توسط زبان» شده است و البته در آن تلویحاً فرض شده که یک رمز تثبیت شده باید میان هر دو سوی الگو مشترک باشد» (Harris, 1988). در سال ۱۹۶۰ رومن یاکوبسن الگویی از ارتباط گفتاری بینافردی ارائه کرد که از الگوی ارتباطی اصلی فراتر رفت و بر اهمیت رمزگان و بافت‌های اجتماعی درگیر صحنه گذاشت (Jakobson, 1960). یاکوبسن ذکر می‌کند که اثربخشی یک ارتباط گفتاری، وابسته به استفاده از یک رمز مشترک توسط افراد سهیم در این ارتباط است (چندلر، ۱۳۸۷). وی که یکی از نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی ارتباط است، نشانه‌شناسی را علم مطالعه ارتباط اعم از ارتباطات کلامی و غیرکلامی تعریف می‌کند.

۳. نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن

یاکوبسن نشانه‌شناسی را دانش نشانه‌ها می‌نامد (Hawkes, 2003). کار اساسی یاکوبسن در

این زمینه ارائه یک الگوی ارتباطی است که به وجود شش عنصر موضوع، پیام، فرستنده، گیرنده، مجرای ارتباطی و رمزگان قائل است. در این الگو، زبان به‌طور خاص و ارتباط انسانی به‌طور عام می‌تواند به ترتیب، شش نقش ارجاعی، ادبی، عاطفی، ترغیبی، همدلی و فرازبانی پیدا کند. یاکوبسن بر این باور است که هیچ ارتباطی نمی‌تواند تنها به یکی از این نقش‌ها منحصر باشد و معمولاً در هر کنش ارتباطی هر شش نقش وجود دارند، با این تفاوت که یکی یا برخی از آنها اهمیت و برجستگی بیشتری نسبت به بقیه دارند (گیرو، ۱۳۹۲). در نتیجه بسته به اینکه کدام یک از این عناصر نقش برجسته‌تری در ارتباط ایفا کنند و ارتباط به کدام یک از آنها معطوف شود، یک نقش کلامی برجسته می‌شود.

جدول ۲: نقش‌های شش‌گانه ارتباط کلامی یاکوبسن
منبع: نگارنده؛ (برگرفته از گیرو، ۱۳۹۲)

نقش‌های ارتباط زبانی	عوامل ارتباط گفتاری	هدف	توضیح
نقش ارجاعی	موضوع	نشان دادن موضوع، محتوا و مضمون پیام	مرتبط با موضوع و توصیف یک وضعیت، شیء یا حالت روانی است. این اظهارات توصیفی می‌تواند شامل هر دوی توصیفات صریح و شناختی باشد.
نقش ادبی	پیام	آفرینش زیبایی و ایجاد لذت در مخاطب و القای مؤثر پیام جهت‌گیری پیام به‌سوی خود پیام	کارکرد ویژه این نقش، برجسته‌سازی است، یعنی گوینده، عناصر زبان را به‌گونه‌ای بکار می‌گیرد که شیوه بیانش جلب نظر کند.
نقش عاطفی	فرستنده	نشان دادن احساس خاص گوینده	متکی به مخاطب (فرستنده) و معنای یک گفته را تغییر نمی‌دهد اما اطلاعاتی در مورد حالت داخلی فرستنده به ما می‌دهد.
نقش ترغیبی	گیرنده	تأکید به مخاطب	با جهت‌گیری به سمت گیرنده و به‌طور مستقیم بیان‌شده و بهترین شکل آن به‌صورت ندایی و امری است.
نقش همدلی	مجرای ارتباطی	ایجاد ارتباط، اطمینان از تداوم یا قطع آن است.	زبان به خاطر تعامل است و بنابراین دلیل تماس و کانال ارتباطی با ما است.
نقش فرازبانی	رمزگان	جهت‌گیری پیام به‌سوی رمز	مشترک بودن رمزها بین گوینده و مخاطب

۴. ارتباط در معماری بر اساس نظریه یاکوبسن

نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن که اساساً به زبان می‌پردازد، به هرگونه ارتباط انسانی تعمیم‌پذیر است. از طرفی معتقد است رابطه تجربی اشخاص با اشیای معماری حاکی از آن است که انسان معمولاً معماری را به‌مثابه ابزار ارتباط درک می‌کند حتی با در نظر گرفتن کارکرد آن. از این‌رو در این قسمت عوامل شش‌گانه ارتباط کلامی یاکوبسن با توجه به نظریات اکو در معماری تعمیم داده‌شده است.

۴-۱. نقش ارجاعی^{۲۰}

یاکوبسن (۱۹۶۰) معتقد است که پیام برای اثربخشی نیاز به یک بافت دارد. این کارکرد روابط میان پیام و موضوعی که پیام به آن ارجاع می‌دهد را مشخص می‌کند (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۰)؛ اکو معتقد است «ارجاع» در معماری لزوماً فیزیکی نیست؛^{۲۱} «فرض کنید «در» نمادی است که به اشاره «احتمال دخول» مرتبط است. حال تعریف مرجوع یعنی واقعیت مادی که نماد غیرمستقیم به آن اشاره می‌کند بسیار سخت است. تنها راه حل این است که بگوییم «در» به خود اشاره می‌کند و واقعیت خود را مشخص می‌کند یا بگوییم به کارکردی که اجازه می‌دهد اشاره دارد» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۵۳). کارکرد اساسی نقش ارجاعی، جلوگیری از بروز هرگونه درهم‌آمیزی نشانه و شی، و ممانعت از در آمیختن پیام و رمزپردازی شده است (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۰). به اعتقاد اکو توصیف ما بر نشانه مبتنی است بر معنای رمزگذاری شده که در موقعیت فرهنگی مشخصی به یک حامل نشانه نسبت داده شده است. در واقع «اشاره به زمینه فرهنگی اجتماعی» از دیدگاه اکو جایگزین «اشاره به موضوع» یاکوبسن می‌شود.

نقش ارجاعی	
معماری	کلام
عامل: زمینه فرهنگی اجتماعی	عامل: موضوع
هدف: درک و تعریف درست ماهیت نشانه از طریق زمینه	هدف: نشان دادن موضوع، محتوا و مضمون پیام
* عامل نقش ارجاعی در کلام موضوع است و در معماری زمینه فرهنگی اجتماعی بنا می‌باشد که شامل مؤلفه‌های موقعیت بنا در ساختار شهری، جایگاه بنا در ساختار فرهنگی و اجتماعی می‌باشد.	

اینکه پیام به چه موضوعی جهت‌گیری می‌نماید مبتنی بر قراردادهای فرهنگی و میراث

فکری هر گروه و دوره تاریخی است که با جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های هم‌سوی خود تعیین می‌شوند. اکو معتقد است که با گذر از گروه انسانی به گروه دیگر، با توجه به زمینه فرهنگی اجتماعی و گذر زمان ممکن است نشانه دچار زوال، بازیابی و جایگزینی‌های گوناگونی شود.

۲-۴. نقش ادبی^{۲۲}

یاکوبسن این کارکرد را همچون رابطه میان پیام و خودش تعریف می‌کند (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۲). معنا یا ارزش اولیه هر عنصر کارکرد اولیه آن است که همان معنای صریح می‌باشد. در حالتی ممکن است کارکرد مهم‌ترین چیزی نباشد که پیام ارائه می‌کند. برای مثال وقتی به سر در یک مسجد نگاه می‌کنیم، توجه به معنای سر در جلب می‌شود که هرچند مبتنی بر کارکرد است اما کارکرد صریح - یعنی سر در به‌منزله ورود- در حاشیه قرار گرفته شده است. کادربندی و عظمت سر در به‌عنوان معنای ضمنی مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین ترتیب می‌توان عناصری کاذب خلق کرد که کارکرد صریحی ندارند و فقط می‌توانند کارکرد زیبایی‌شناختی داشته باشند. «پنجره‌ها می‌توانند با شکل، تعداد و نحوه استقرار خود در نمای ساختمان علاوه بر کارکرد به مفهوم خاصی از سکونت و استفاده دلالت کنند. آنها می‌توانند به ایدئولوژی کلی که معمار را در ساخت بنا هدایت کرده است اشاره ضمنی کنند» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۵۹). نمونه برجسته کارکرد ادبی در آثار هنری دیده می‌شود، جایی که مرجع پیام خود پیام است، و این پیام دیگر ابزار ارتباط نیست، بلکه موضوع آن است (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۲). در واقع هدف نقش ادبی در زبان تأکید و یا برجسته‌سازی بخشی از موضوع است که در معماری این امر به واسطه کارکرد نمادین عناصر معماری تحقق می‌یابد.

نقش ادبی	
معماری	کلام
عامل: کارکرد نمادین	عامل: پیام
هدف: تأکید یا برجسته‌سازی بخشی از موضوع	هدف: آفرینش زیبایی و ایجاد لذت در مخاطب و القای مؤثر پیام، جهت‌گیری پیام به‌سوی خود پیام
* عامل نقش ادبی در معماری کارکرد نمادین بنا می‌باشد که در حالت در حاشیه قرار گرفتن معنای صریح و ظهور معنای ضمنی تحقق می‌یابد.	

۳-۴. نقش عاطفی ۲۳

یاکوبسن (۱۹۶۰) معتقد است این کارکرد روابط میان پیام و فرستنده را رقم می‌زند؛ عامل نقش عاطفی در زبان فرستنده است. در معماری نمی‌توان تنها معمار را به عنوان فرستنده در نظر گرفت، معمار به واسطه «رمزگان‌های معماری»، اطلاعاتی در مورد رویکرد خود به مخاطب می‌دهد. این رمزگان‌های «بسیار پیچیده، وابسته به زمانه و موقت‌اند» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۷۷). به عبارت دیگر بعد از معمار، بنا به عنوان فرستنده و از طریق رمزگان‌های معماری اطلاعاتی در مورد خود به مخاطب می‌دهد. مثلاً فرم عناصری از مسجد موقت و وابسته به زمان می‌باشد و حاکی از رمزگان آن است. هنگامی که ما- به وسیله زبان یا به هر شیوه دلالتی دیگر- ارتباط برقرار می‌کنیم، اندیشه‌هایی را در باب ماهیت مرجع پیام بیان می‌کنیم (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۰). اکو (۱۳۹۶: ۲۷۹) رمزگان‌های معماری را به سه دسته تقسیم می‌کند: دسته نخست را «رمزگان‌های تکنیکی» می‌نامد که شامل عناصر نخستین معماری می‌شوند مانند کف بنا، سازه‌های سیمانی، سازه‌های آهنی، سیم‌کشی و غیره... دسته دوم «رمزگان‌های نحوی» که عناصر معماری بر اساس منطق خاصی در رابطه هم‌نشینی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دلالت معنایی ایجاد می‌کنند، مانند رابطه راهرو با حیاط، یا پله‌ها با پنجره‌ها. دسته سوم «رمزگان‌های معنایی» هستند. در اینجا است که عناصر منفرد معماری در ارتباط با دلالت‌های یک‌به‌یک و ضمنی، دلالت معنایی عمیق‌تر و شاخص‌تری را تولید می‌کنند.

نقش عاطفی	
معماری	کلام
عامل: رمزگان‌های معماری	عامل: فرستنده
هدف: نشان دادن نظر و احساس و دید معمار نسبت به مسأله‌ای نشان دادن پاسخی منحصر به فرد به مسأله	هدف: نشان دادن احساس خاص گوینده
* عامل نقش عاطفی در معماری رمزگان‌های معماری می‌باشد که شامل سه نوع رمزگان تکنیکی، نحوی و معنایی است.	

۴-۴. نقش ترغیبی ۲۴

فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد (Jakobson, 1960); زیرا هدف هرگونه ارتباطی ایجاد واکنش نزد گیرنده است (گیرو، ۱۳۹۲). هدف برقراری ارتباط در معماری «کارکرد» آن

است که به نحوی به مخاطب تأکید می‌گردد. کارکرد یا «معنای صریح» به‌وسیله حامل نشانه، در نزد مخاطب مورد تأکید قرار می‌گیرد. در معماری نقش ترغیبی به رابطه بین عنصر معماری و کاربرد آن می‌پردازد. در واقع فرم معماری بر اساس انتظارات مرسوم، به آن کارکرد دلالت می‌کند و وقتی آن انتظارات و عادت‌ها برآورده نشود، به شیء کارکرد دیگری تحمیل می‌شود. «شاید یک معمار بتواند خانه‌ای بسازد که با هیچ رمز معماری موجود هم‌خوانی نداشته باشد و شاید این خانه شکلی دلخواه و «کارکردی» از سکونت را میسر سازد؛ اما پر واضح است که من نخواهم توانست همان‌گونه که مدنظر بوده در آن سکونت کنم مگر اینکه «دستورالعمل‌هایی» برای نحوه سکونت در ساختمان تعبیه شده باشد یا من خانه را به‌مثابه بافتی از نشانه‌ها که به رمز آشنایی دلالت می‌کنند تعبیر کنم» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۶۰).

در نتیجه رابطه میان پیام و مخاطب در معماری «کارکردی بودن کارکرد» می‌باشد و در صورتی که عنصری یا فرمی جدید خلق شود دو حالت دارد: ۱. نمی‌توان آن‌گونه که مدنظر بوده از آن استفاده کرد. مخاطب آن را به‌مثابه نشانه‌هایی که به رمز، آشنایی دلالت دارند تعبیر می‌کند و کارکرد آن را تغییر می‌دهد. ۲. دستورالعمل‌هایی برای نحوه استفاده از آن تعبیه شده باشد در غیر این صورت کارکرد فرم جدید ناشناخته خواهد ماند.

نقش ترغیبی	
معماری	کلام
عامل: کاربرد صریح	عامل: گیرنده
هدف: تأکید به مخاطب و تحت تأثیر قرار دادن آن	هدف: تأکید به مخاطب
* عامل نقش ترغیبی در معماری کارکرد صریح بنا می‌باشد که در فرم و هندسه بنا، عناصر معماری و روابط فضاها قابل بررسی هستند.	

۵-۴. نقش همدلی^{۲۵}

هدفی که بر این کارکرد حاکم است برقراری، حفظ یا توقف ارتباط است (گیرو، ۱۳۹۲: ۲۳). به اعتقاد اکو فرد به‌واسطه آموخته‌های قبلی مدلی را در ذهن خود مطرح می‌کند و به‌وسیله آن ارتباط برقرار می‌کند. «انسان اولیه در آغاز غاری می‌یابد برای سرپناه سپس به کشف آن می‌پردازد این چنین ایده غار شکل می‌گیرد وقتی باد و باران بیاید به او یادآوری می‌کند که آن غار گزینه‌ای است برای در امان ماندن ... همچنین این ایده او را قادر

عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز) ۲۹۵

می‌سازد تا وقتی غار دیگری را هم دید مفهوم پناهگاه به ذهنش متبادر شود» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۵۰).

ارتباط در معماری می‌تواند به دو صورت شکل بگیرد:

۱. ارتباط به صورت مستقیم: به محرک‌هایی که یاد می‌گیریم به آنها پاسخ دهیم. مانند گنبد که به خاطر تکرار آن در کاربری‌های مذهبی، نوع خاصی از فعالیت در ذهن‌مان صورت می‌گیرد و یا پله که در گذشته یاد گرفته‌ایم به خاطر فرمایش به مثابه بالا رفتن است.
۲. ارتباط غیرمستقیم: برخی از محرک‌ها چون جزئی از محیط شده‌اند و کارکرد مصنوعات بشری را دارند به اثر ارتباطی آنها پاسخ می‌دهیم. مانند سقف که ساختمان را از آب و هوای نامساعد محفوظ می‌کند و به اثر ارتباطی آن مثل آرامش پاسخ می‌دهیم.

نقش ترغیبی	
معماری	کلام
عامل: ابزار برقراری ارتباط	عامل: مجرای ارتباطی
هدف: برقرارکننده یا ادامه‌دهنده‌ی ارتباط موجب اطمینان از تداوم و یا قطع ارتباط	هدف: ایجاد ارتباط، اطمینان از تداوم یا قطع آن است. جلب توجه مخاطب
* عامل نقش ترغیبی در معماری ابزار برقراری ارتباط می‌باشد که به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم ظاهر می‌شود.	

۶-۴. نقش فرازبانی^{۲۶}

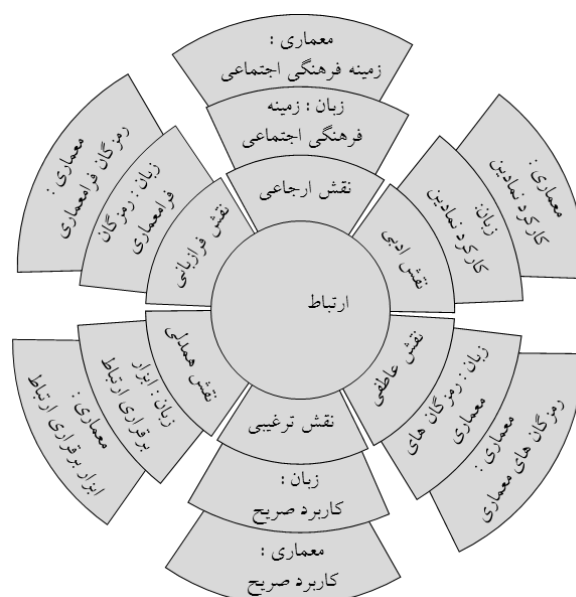
«معماری تنها مبتنی بر رمزگان‌های ملموس که معمار کارش را با آن آغاز می‌کند نیست بلکه باید رمزگان بیرون دیگری را هم لحاظ کرد (و تنها با رجوع به این رمزگان بیرونی است که کاربران معانی پیام معماری جدید را تشخیص می‌دهند)» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۹۰).

«بنابراین در عمل معمار پیوسته مجبور است چیزی باشد به جز معمار. بارها و بارها باید بالاجبار تبدیل شود به یک جامعه‌شناس، روان‌شناس، مردم‌شناس، نشانه‌شناس و غیر... معمار مجبور است فرمی بیابد که بر نظام‌هایی که به آنها کنترلی ندارد شکل بخشند. او مجبور است زبانی را بیان کند که باید همیشه گویای چیزی بیرون از آن باشد» (اکو، ۱۳۹۶: ۳۰۱).

نقش فرازبانی	
معماری	کلام
عامل: رمزگان‌های فرا معماری	عامل: رمزگان
هدف: تعیین و تولید معنا	هدف: جهت‌گیری پیام به‌سوی رمز
* عامل نقش فرازبانی در معماری رمزگان‌های فرامعماری می‌باشد که شامل رمزگان‌های زبان‌های دیگر است	

۵. الگوی نظری تحقیق:

الگوی به دست آمده از تعمیم شش عامل ارتباط کلامی یا کوپسن بر اساس آرای اکو می باشد. به اعتقاد اکو (۱۳۹۶) بیشتر اشیاء معماری برای برقراری ارتباط طراحی نشده‌اند بلکه



نمودار ۱: نقش‌های ارتباط معماری بر اساس آرای اکو

کارکرد خاصی دارند. با این حال «ارتباط» و «کارکرد» به یکدیگر مرتبط بوده یکی از راه‌های تجزیه و تحلیل معماری از دیدگاه نشانه‌ای بررسی عملکردهای آن از طریق ارتباط می‌باشد (همان: ۲۵۱). لذا با توجه به مبانی نظری تحقیق عوامل ارتباط کلامی یا کوپسن با توجه به تعریف، هدف و نقش هر عامل در معماری بررسی شده و بر اساس نظریات اکو عامل معماری هر نقش استخراج گردید. هر یک از این عوامل جهت تدوین مؤلفه‌ها و تجزیه و

تحلیل عناصر معماری مسجد کبود تبریز قابل بررسی می‌باشد.

۶. مطالعه موردی: مسجد

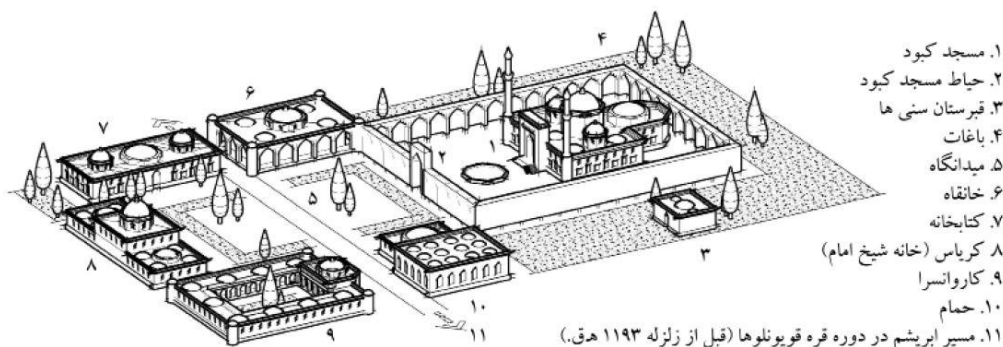
کبود تبریز

مسجد کبود تبریز از شاهکارهای هنری ایرانی عصر قراقویونلوها است؛ ساخت این مسجد بر اساس متن کتیبه‌های ایوان ورودی آن، در زمان سلطان جهان‌شاه قراقویونلو و به سنه ۸۷۰ ه.ق. به انجام رسیده است (کبیر



تصویر ۱: موقعیت مسجد کبود

صابر و پیروی، ۱۳۹۴). این مسجد شامل مقبره، کاروانسرا، حمام، باغ تاریخی و موقوفات زیادی بوده که وصف همگی آنها در وقف‌نامه این اثر نمایان است؛ ولی بخش اعظمی از آنها در طول زمان یا بر اثر عواملی همچون زلزله و جنگ، و یا بر اثر بی‌توجهی و مدیریت نامناسب به دلایل سیاسی، اقتصادی و گاه مذهبی تخریب شده و از بین رفته‌اند که در حال حاضر تنها مسجد و مقبره آن باقی مانده است (انصاری و نژاد ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳۸). مطالعه نشانه‌شناسانه عناصر معماری مسجد کبود تبریز می‌تواند در جهت تبیین معنا، عملکرد و ارتباط نشانه‌های آن مؤثر باشد. با توجه به الگوی نظری تحقیق عوامل تأثیرگذار بر ارتباط -زمینه



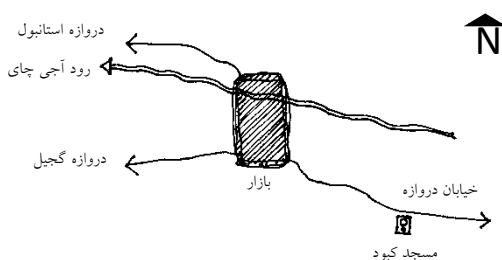
تصویر ۲: شکل فرضی و بازسازی شده مجموعه مظفریه در زمان قراقویونلوها (کبیرصابر، مظاهریان و پیروی، ۱۳۹۳)

فرهنگی اجتماعی، کارکرد نمادین، رمزگان‌های معماری، کاربرد صریح در بنا، ابزار برقراری

ارتباط و رمزگان‌های فرامعماری - عناصر معماری و مفاهیم موجود در مسجد کبود بررسی شده است.

۱-۶. زمینه فرهنگی و اجتماعی

وجود مسیری به نام کهنه خیابان و تطبیق آن با توجه به نقشه دارالسلطنه تبریز (۱۲۶۱)، نشان می‌دهد مسجد کبود در مسیر اصلی کاروانیان به بازار بوده که به همین دلیل به عنوان قسمتی از بازار در فهرست آثار ثبتی جهانی نیز ثبت شده است؛ رجوع به



تصویر ۳: دیاگرام جای گیری مسجد کبود نسبت به بازار و دروازه‌های مهم شهر

سفرنامه‌ها و خاطرات سیاحانی که در گذشته از این مسیر دیدن کرده‌اند می‌تواند به عواملی مانند رنگ شاخص در بافت، وجود گنبد و فرم شاخص این مسجد و همچنین ارتفاع بلند آن اشاره کند؛ اولیاء چلبی درباره مسجد کبود می‌نویسد «درگاه مسجد جهان‌شاه بلندتر از طاق کسری است. بنایی عالی است که با کاشی‌های زیبا آراسته شده، گنبدهای بلند دارد، همه در و دیوارهای آن با کاشی‌های رنگارنگ زینت یافته» (کارنک، ۱۳۵۱: ۲۸۶). این عوامل موجب تبدیل مسجد کبود به عنصری برجسته و نشانه‌ای شهری شده است که در ارتباطی مستقیم با مردم تبریز و سیاحان قرار داشت.

جهت‌گیری پیام مبتنی بر قراردادهای فرهنگی بوده و در هر دوره تاریخی بر اساس ایدئولوژی‌های مردم آن دوره تعیین می‌شد. عناصر مسجد کبود از نظر نشانه‌شناسی با توجه به گذر زمان دچار جایگزینی‌های گوناگونی شده است. در دوره معاصر تحت تأثیر خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی تغییراتی در موقعیت فرهنگی مسجد کبود به وجود آمده که ساختارهای ارتباطی در حوزه آن را دگرگون ساخته و ورودی آن از جلوی شهر به پشت آن تغییر کرده است. با این حال با قرارگیری این مسجد در مسیر تاریخی فرهنگی شهر تبریز از یک سو و دارا بودن عناصر شاخص معماری و رنگ منحصر به فرد آن از سوی دیگر، این مسجد در نظر مردم شامل مجموعه‌ای از رمزگان‌های معنایی و ارتباطی می‌باشد؛ رمزگان‌هایی که در موقعیت فرهنگی و اجتماعی امروزی باعث جهت‌گیری پیام به نمادی

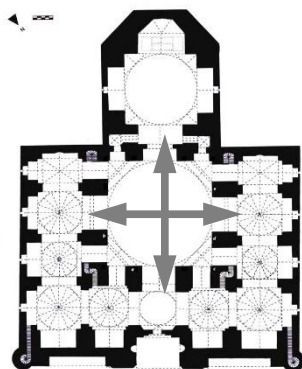
غیرمستقیم از مسجد کبود می‌گردند. از دید مردم معاصر تبریز مسجد کبود عنصری ارزشمند است که نمادی غیرمستقیم از هویت تاریخی آن محسوب می‌شود.

۶-۲. کارکرد نمادین

در کتیبه سردر این بنا، به نام ابوالمظفر جهانشاه اشاره شده است. همین‌طور سیاحان و تاریخ‌نگاران نیز هنگام اشاره به این بنا از نام مظفریه استفاده می‌کردند «همچنین در درآمد تبریز به‌جانب شرق که خیابان گویند عمارتی است در کمال لطافت و نیکویی موسوم به مظفریه...» (کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۵۲۴). عنوان «مسجد جهانشاه» یا «مجموعه مظفریه» اشاره به معنا، ارزش اولیه و معنای صریح این مجموعه دارد در حالی که این عنوان مهم‌ترین چیزی نیست که مجموعه ارائه می‌دهد. امروزه عنوان عمارت مظفریه در حاشیه قرار گرفته و توجه به خود بنا جلب می‌شود. کاشی‌کاری معرق و بسیار ظریف و زیبای سطوح داخل و خارج آن به‌گونه‌ای بسیار ماهرانه نصب شده که رنگ فیروزه‌ای بنا به‌عنوان معنای ضمنی مورد توجه قرار می‌گیرد و به مفهوم خاصی دلالت می‌کند. در اینجا عمارت مظفریه (معنای صریح) در حاشیه قرار گرفته و مسجد کبود (فیروزه اسلام یا گوی مسجد) به‌عنوان معنایی ضمنی، کارکردی نمادین به خود می‌گیرد و باعث برقراری ارتباط می‌گردد؛ در واقع عمارت مظفریه دیگر ابزار برقراری ارتباط نیست بلکه موضوع آن است.

۶-۳. رمزگان‌های معماری

رمزگان‌های معماری وابسته به زمانه و موقت‌اند و مسجد نیز بالأخص در طول تاریخ به شیوه‌های مختلفی بیان می‌شود، رمزگان‌های معماری مسجد کبود که رمزگان‌های تکنیکی، نحوی و معنایی را شامل می‌شوند:



تصویر ۲: نقشه مسجد کبود تبریز

۶-۳-۱. از مهم‌ترین عناصر رمزگان تکنیکی این بنا کاشی‌کاری‌های آن است که مزین به آیات، اشعار و نقش و نگارهای اسلیمی است. از نظر ساختاری نیز، استفاده غالب از مصالح رایج شهر یعنی آجر است. نحوه پاسخگویی این بنا از نظر مصالح به کار گرفته‌شده و فرم آن، سازگاری مطلوبی با وضعیت اقلیمی شهر تبریز به وجود آورده است.

۲-۳-۶. رمزگان نحوی: مسجد کبود بدون میانسرا و به گونه‌ای برون‌گرا ساخته شده است. این نوع پلان و وجود دو گنبدخانه کنار هم در مسجد فرم آن را از مساجد ایرانی متمایز ساخته است. با این حال مسجد کبود دارای نقشه‌ای ایرانی از نوع چهار ایوانی با میانسرای سرپوشیده است. رمزگان دیگر رعایت سلسله‌مراتب فضایی در این مسجد است که در همه مساجد ایرانی قابل مشاهده می‌باشد.

۳-۳-۶. کتیبه نگاشت‌ها و تزئینات بناهای مورد مطالعه در معماری عثمانی، نشانه‌های روشنی از اعتقاد دینی بانیان آنهاست که معتقد به مذهب اهل سنت بودند، در صورتی که بررسی کتیبه‌ها و دیوارنگاره‌های مسجد کبود، نشانه‌هایی از اعتقاد بانیان این بنا به خاندان علی بن ابی طالب (ع) را جلوه‌گر می‌کند (کبیرصابر، مظاهریان و پیروی، ۱۳۹۳: ۱۸). اینجاست که این عناصر معماری دلالت معنایی عمیق‌تری را تولید کرده و به اعتقاد دینی بانیان بنا اشاره ضمنی می‌نماید. کتیبه‌ها و آیات موجود در آن به همراه سردر بنا را می‌توان رمزگان‌های معنایی این بنا برشمرد.

جدول ۶: رمزگان‌های معماری مسجد کبود

استفاده از مصالح کاشی معقلی و معرق، آجر و سنگ مرمر	رمزگان تکنیکی	رمزگان‌های معماری
شیوه ساخت تاق و گنبد		
پلان ایرانی	رمزگان نحوی	
سلسله مراتب فضایی		
کتیبه‌ها و آیات: نشان دادن اعتقاد دینی بانیان بنا	رمزگان معنایی	
سردرب: عظمت بنا		

۴-۶. کاربرد صریح

هدف از برقراری ارتباط در معماری کارکرد آن است که از طریق فرم نزد مخاطب مورد تأکید قرار می‌گیرد. «فرم یک شیء، علاوه بر ممکن ساختن کارکرد، باید آن را چنان واضح و شفاف ارائه نماید که هم کاربردی باشد و هم مورد تقاضا؛ یعنی این قدر معنای کارکرد را واضح و شفاف برساند که انسان را به انجام کارهایی که برای تحقق آن لازم است رهنمون سازد» (اکو، ۱۳۹۶: ۲۶۰).

مسجد کبود دارای دو کارکرد مسجد و مقبره است که تأکید بر کارکرد دوگانه بنا به بهترین شکل به مخاطب القا می‌شود. نخست از طریق فرم بنا؛ پلان بنا ترکیبی از حجم مکعب مستطیل یا مکعب مربع با کشیدگی شمالی-جنوبی است که در مرکز آن گنبدی

عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز) ۳۰۱

آجری افراشته شده است. مکعب اصلی فضای مسجد و مکعب کوچک محل مقبره جهانشاه است که با استفاده از گنبد‌های کوچک، که حکم رواق برای گنبد اصلی را دارد، این مکعب خرد شده است (انصاری و نژاد ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳۸). دوم از طریق ارتباط دو گنبدخانه است که به گونه خاصی از هم جدا شده‌اند ولی در عین حال نیز با یکدیگر در ارتباط‌اند. دلیل این نوع ارتباط ناشی از عملکرد متفاوت هر کدام از آنهاست. در این مسجد می‌توان کارکرد صریح را در عناصر معماری نیز مشاهده کرد؛ در پایین ستون‌ها سکویی از مرمر سفید ساخته شده که زیر آن خالی و خانه خانه است، برای اینکه کفش‌ها را وقت دخول به مسجد می‌کنند در آن سوراخ‌ها بگذارند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۸). همچنین اطراف مسجد مکان‌های ویژه‌ای برای درس و بحث تعبیه شده است.

جدول ۷: کاربرد صریح در مسجد کبود

فرم و هندسه	مکعب	استفاده از دو مکعب بزرگ و کوچک برای نشان دادن دو کاربری متفاوت
	فاقد میانسرا	توجه به وضعیت اقلیمی شهر تبریز
	گنبد‌ها	پوشش دهانه عریض
عناصر معماری	کفش کن	در پایین ستون‌ها سکویی از مرمر
	رواق‌ها	فضایی برای درس و بحث
روابط	ارتباط بین دو گنبدخانه	جدا شدن دو گنبدخانه (مقبره و مسجد)

۵-۶. ابزار برقراری ارتباط

اکو معتقد است معمولاً معماری به‌مثابه ابزار ارتباط درک می‌شود، حتی وقتی که کارکرد آن مد نظر باشد. در گذشته دو مناره در دو طرف ورودی به‌عنوان شاخص شهری کاربرد داشت که پس از وقوع زلزله به‌طور کامل تخریب شد و دیگر بازسازی نشده‌اند. گنبد‌ها، و سردر رفیع بنا به‌عنوان عناصر شاخص بنا، برای مخاطبان و کاربران به‌عنوان ابزار برقراری ارتباط محسوب می‌شوند. همچنین می‌توان به رنگ فیروزه‌ای استفاده شده در کاشی‌ها، خطوط خوشنویسی و تزئینات اشاره کرد که مخاطب به اثر ارتباطی آنها مثل آرامش و دریافت حس معنوی پاسخ می‌دهد.

جدول ۸: ابزار برقراری ارتباط در مسجد کبود

ارتباط مستقیم	گنبد و مناره	نقش برقرارکننده ارتباط بین مخاطب و مسجد به طوری که مخاطب با دیدن گنبد و مناره تصویر مسجد در ذهنش متداعی می‌شود.
ارتباط غیرمستقیم	سر درب	سردرب با مخاطب به عنوان «محل دخول» از یک سو و به عنوان «شکوه و عظمت» از سوی دیگر ارتباط برقرار می‌کند.
	رنگ	رنگ فیروزه‌ای کاشی‌ها
ارتباط غیرمستقیم	خطوط خوشنویسی	مخاطب به اثر ارتباطی خطوط خوشنویسی مثل حس حضور در مکان مذهبی پاسخ می‌دهد.
	تزئینات	مخاطب به اثر ارتباطی تزئینات مثل آرامش پاسخ می‌دهد.

۶-۶. رمزگان فرا معماری

سطح بیانی که از اشیای معماری این مسجد تشکیل شده است نظام دیگری از دلالت‌ها به مثابه سطح محتوای خود دارد که از این میان می‌توان به جایگاه فرم‌های استفاده‌شده در جهان‌بینی اسلامی اشاره کرد. به‌رحال تعدادی نظام متشکل از حامل‌های نشانه وجود دارد که تنها به این دلیل ساخته شده‌اند تا به‌نوعی حامل‌های نشانه زبان دیگری باشند و بتوان از طریق زبان‌های دیگر با این مسجد ارتباط برقرار کرد که می‌توان به رنگ‌های استفاده‌شده، جایگاه اعداد در این مسجد، ردپای فرقه حروفیه و نقطویه اشاره کرد.

جدول ۹: رمزگان‌های فرا معماری در مسجد کبود

رمزگان‌های فرا معماری	معنای نمادین	کتیبه‌ها و خطوط و نقوش
	عناصر موجود در مسجد	تزئینات و آرایه‌ها
	سیاست حکومت‌ها	اعداد
		ترکیب مسجد و مقبره
		انتصاب به سلسله

بحث و تحلیل

در معماری مسجد کبود، اصول رعایت شده در خصوص کارکرد صریح مسجد و عملکرد آن رابطه مستقیم با ایجاد ارتباط در مساجد دارد. کارکرد صریح که همان عملکرد اصلی مسجد یعنی عبادت است به شکل‌های گوناگون در معماری کلیه فضاهای مسجد مشاهده می‌گردد. ابزار برقراری ارتباط به صورت بارز در معماری مسجد کبود مشاهده می‌شود به طوری که دارای فرم‌های نمادین شاخصی مانند گنبد و مناره، فضاهای نیمه‌باز مانند ایوان

بوده و نمای بیرونی مساجد نیز با توجه به بافت مجاور آن در برقراری ارتباط مؤثر می‌باشد. پرداختن به موضوع ارتباط بدون در نظر گرفتن زمینه فرهنگی اجتماعی میسر نخواهد بود. می‌توان دلیل این موضوع را پیامدهای اتفاق افتاده در بحث روابط اجتماعی بیان کرد. معماری یکی از گزینه‌های مهم و تأثیرگذار بر روابط اجتماعی و برعکس روابط اجتماعی و زمینه فرهنگی - اجتماعی عاملی تأثیرگذار بر نحوه شکل‌گیری معماری می‌باشد. ارتباط مساجد را نمی‌توان تنها از دیدگاه معماری مورد بررسی قرارداد و نیازمند استفاده از رمزگان‌های فرا معماری هستیم. استفاده از این رمزگان با توجه به شرایط مختلف می‌تواند به صورت متفاوتی صورت بگیرد. برخلاف رمزگان فرا معماری، رمزگان معماری وابسته به رویکرد طراحی و استفاده از رمزگان معنایی مانند گنبد و مناره، رمزگان تکنیکی مانند مصالح و رنگ و رمزگان نحوی مانند نحوه چیدمان فضاها می‌باشد. ارتباط مساجد تنها وابسته به کارکردهای عبادت نیست. مساجد به جز کارکرد عبادت دارای کارکردهای نمادین دیگری مثل کارکرد فرهنگی نیز هستند که در ایجاد ارتباط مؤثر است.

نتیجه‌گیری

معماری به‌عنوان بخشی از فرهنگ، از یک‌سو به‌عنوان نظام نشانه‌ای و از سوی دیگر به‌عنوان ابزار برقراری ارتباط تلقی می‌گردد. نظریه ارتباط کلامی یا کوپسن که بر اساس شش نقش ارجاعی، ادبی، عاطفی، ترغیبی، همدلی و فرازبانی مطرح گردیده شالوده ارتباط در هر نوع زبانی را می‌تواند مورد بررسی قرار دهد. در پاسخ به سؤال پژوهش با تعمیم نظریه یا کوپسن و به واسطه آرای اکو عوامل برقراری ارتباط در معماری را می‌توان زمینه فرهنگی اجتماعی، کارکرد نمادین، رمزگان‌های معماری، کاربرد صریح در بنا، ابزار برقراری ارتباط و رمزگان‌های فرامعماری دانست. ایجاد ارتباط در مسجد به‌عنوان مهم‌ترین عنصر شهر اسلامی یکی از اهداف بزرگ مساجد است که وادی معماری از طریق به‌کارگیری دیگر علوم عامل اصلی تحقق این هدف می‌باشد. به دست آوردن عوامل و مؤلفه‌های تخصصی در این موضوع با توجه به آسیب‌شناسی موضوعی نشانه‌شناسی مساجد راه‌کاری در بازگرداندن معنا و عملکرد در مساجد است. اگرچه مؤلفه‌های بررسی در مسجد کبود دیده می‌شوند ولی به واسطه تغییرات رخ داده در دوره معاصر برخی از عوامل مانند زمینه فرهنگی و اجتماعی و ابزار برقراری ارتباط نقش پررنگ خود را از دست داده و به همین دلیل برخی عناصر دچار تغییراتی در معنا شده‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده، طراحی مساجد با در نظر گرفتن عوامل برقراری ارتباط

راه‌کاری است در جهت معنا یافتن مسجد نزد مخاطبان که باید در طرح مهم‌ترین عنصر شهر اسلامی قرار داد. استفاده آگاهانه از این عوامل در جهت طراحی عناصر موثر در دوره معاصر می‌تواند موجب ارتقای درک مخاطبان از مفاهیم معماری مساجد گردد که ضرورت بررسی آن احساس می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مهندسی معماری اسلامی نگارنده سوم با عنوان «نشانه‌شناسی کاربردی در طراحی مساجد معاصر» به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم می‌باشد که در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام یافته است

2. Peter Kümmler
3. Manar Hammad
4. Group 107
5. Donald Preziosi
۶. Meaning and Architecture
۷. Charles Jencks
۸. George Baird
۹. language of postmodernism in architecture
۱۰. Algirdas Julien Greimas
۱۱. Symbolik des Islam
۱۲. Rudi Paret
۱۳. Islam Studied as a Symbol and Signification System
۱۴. Jacques Waardenburg
۱۵. Oleg Grabar
۱۶. Das Ornament in der Islamischen Kunst
۱۷. Symbols and Signs in Islamic Architecture
۱۸. Charles Sanders Peirce
۱۹. Ferdinand de Saussure
۲۰. Referential Function
۲۱. به‌عنوان مثال مثلث نشانه‌شناختی معروف سی. کی. اوگدن و آی. ای. ریچاردز را به دلیل پرداختن به «مرجوع» در حوزه معماری کاربردی نمی‌داند.
۲۲. Poetic
۲۳. Emotive Function
۲۴. Coative Function
۲۵. Phatic Function
۲۶. Metalingual Function

منابع

- اباذری، یوسف، ۱۳۸۰. «رولان بارت و اسطوره و مطالعات فرهنگی»، ارغنون ۱۳۷-۱۵۸.
- احمدی، بابک، از نشانه‌های تصویری تا متن، با ترجمه محمد نبوی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۱.
- اکو، امبرتو، کارکرد و نشانه: نشانه‌شناسی معماری، در *نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی)*، توسط امیرعلی نجومیان، با ترجمه محمد رجب پور، ۳۰۶-۲۴۷، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۹۶.
- انصاری، مجتبی، و احد نژاد ابراهیمی، ۱۳۸۹. «هندسه و تناسب در معماری دوره ترکمانان قویونلو-مسجد کبود (فیروزه جهان اسلام)»، نشریه علوم و فنون (۱۲۹): ۳۵-۴۵.
- آقابابایی، سمیه، و کورش صفوی، ۱۳۹۵. «بررسی ساختار ادب غنایی از دیدگاه زبان‌شناسی با تکیه بر نظریه «نقش‌های زبانی یاکوبسن»»، متن پژوهی ادبی (۶۹): ۷-۳۴.
- بهزادفر، مصطفی، معماری مسجد و نمای شهری، در *مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده*، ج ۲، ۹-۳۴، اصفهان، ۱۳۷۶.
- پیرس، چارلز سندرز، ۱۳۸۱، «منطق به مثابه نشانه‌شناسی: نظریه نشانه‌ها»، تدوین توسط فرزانه سجودی، زیباشناخت (۶): ۵۱-۶۳.
- جوادی، محمد اسلم، و امیر نیک پی، ۱۳۸۹. «ایده و مفهوم ساختارگرایی با بررسی آرای سوسور و لوی استروس»، تابستان: ۱۷۷-۲۰۴.
- چندلر، دانیل، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷.
- حجت، عیسی، و پیمان نصیری نیا، ۱۳۹۳. «بازشناسی منزلت مسجد کبود در ساختار شهر تبریز»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی ۱۹ (۳): ۶۷-۷۴.
- حسن زاده، اسماعیل، حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو در ایران، سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- دینه سن، آنه ماری، *درآمدی بر نشانه‌شناسی*، ترجمه مظفر قهرمان، نشر پرسش، آبادان، ۱۳۸۹.
- سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی کاربردی، علم، تهران، ۱۳۹۵.
- سلطان‌زاده، حسین، تبریز خشتی استوار در معماری ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.
- سهیلی، جمال‌الدین، مروری بر نشانه‌شناسی در معماری، گوهر دانش، تهران، ۱۳۹۳.
- شیرازی، محمدرضا، ۱۳۸۱، «نشانه‌شناسی معماری»، دو ماهنامه معمار، بهار: ۱۴-۱۷.
- صراحتی جویباری، مهدی، و مرتضی محسنی، ۱۳۹۵، «عوامل مؤثر در ایجاد نقش ترغیبی زبان در قصاید ناصر خسرو»، کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی (۳۳ (علمی-پژوهشی)): ۹۷-۱۲۵.
- کارنک، عبدالعلی، *آثار باستانی آذربایجان، آثار، آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز*، جلد ۱، چاپ بهمن، ۱۳۵۱.
- کاروان، طاهره حق طلب، فرهاد، ۱۳۹۱، «مسجد تجلی‌گاه معماری قدسی»، هفت حصار، پاییز شماره اول: ۲۱-۲۸.
- کاروان، طاهره حق طلب، فرهاد، ۱۳۷۹، «جان‌مایه‌های آهنگ آیات در نقش نواهای مسجد کبود»، گلستان قرآن، مرداد شماره ۲۰: ۲۱-۲۶.
- کبیر صابر، محمد باقر، و مهناز پیروی، ۱۳۹۴. «میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی

- قرون یازدهم تا سیزدهم ه.ق؛ مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی»، پژوهش‌های معماری اسلامی (۶): ۶۸-۸۳.
- کبیرصابر، محمدباقر، حامد مظاہریان، و مہناز پیروی، ۱۳۹۳. «ریخت‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز»، مطالعات معماری ایرانی، پاییز و زمستان شماره ۶: ۵-۲۳.
 - گلمبک، لیزا و دونالد ویابر، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.
 - گیرو، پی یر، نشانه‌شناسی، تدوین توسط محمد نبوی، آگه، تهران، ۱۳۹۲.
 - مشکور، محمدجواد، تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۲.
 - نرسیسیانس، امیلیا، ۱۳۹۱. انسان، نشانه، فرهنگ، با ترجمه علیرضا حسن زاده، تهران، افکار.
 - هاوکس، ترنس، ۱۳۹۴. ساخت‌گرایی و نشانه‌شناسی، با ترجمه مجتبی پردل، مشهد، ترانه.
 - هلد کرافت، دیوید. ۱۳۹۱. سوسور، نشانه‌ها، نظام و اختیاری بودن، با ترجمه سپیده عبدالکریمی، تهران، نشر علمی.
 - Eco, Umberto. 1979. A Theory of Semiotics. London: Macmillan: Bloomington, Indiana University Press.
 - Grabar, O. 1983. Symbols and Signs in Islamic . New York: Architecture, Architecture and Community. Aperture.
 - Hale, J. 2000. Building Ideas: An Introduction to Architectural Theory. New York: John Wiley & Sons, Ltd. .
 - Harris, R. 1988. Language .Saussure & Wittgenstein: How to Play Games with Words. London : Routledge.
 - Hawkes, Terence . 2003. Structuralism and Semiotics. london.
 - Jakobson, Roman. 1960. Closing Statement: Linguistics and Poetics. in Style in Language. Edited by Thomas Sebeok.
 - Jakobson, Roman. 1998. "Linguistics and poetics." Twentieth-century Literary Theory 119-125.
 - Juodinytė-Kuznetsova, K. 2011. "Architectural space and Greimassian semiotic." Societal Studies 3 (4): 1269-1280.
 - Ramzy, Nelly Shafik . 2013. "Visual language in Mamluk architecture: A semiotic analysis of the Funerary Complex of Sultan Qaitbay in Cairo." Frontiers of Architectural Research 2 (3): 338-353.
 - Saussure, Ferdinand de. 1983. Course in General Linguistics. Translated by Roy Harris. London: Duckworth.
 - Tasheva, S. 2012. Semiotics of Architectural Graphics. Sofia: Institute of Art Studies.